

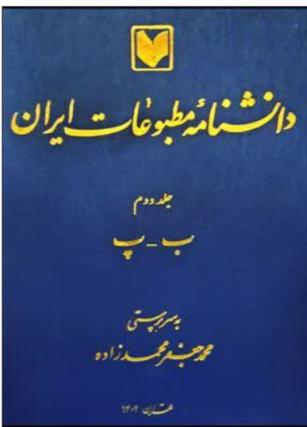
روزنامه همدان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲ _ ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۵ _ ۳ ژانویه ۲۰۲۴ - شماره ۲۳۳۴ - سال هشتم
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
hamdelidaily.ir | gmail.com/hamdeldaily | www.hamdelidaily.com
صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان | سردبیر: جلال خوش‌چهره
چاپ: صمیم ۰۲۱-۴۴۵۳۳۷۲۵ | توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۹۸۱۲۷۵-۰۲۱۶۹۸۱۲۷

کتاب

از سوی انتشارات دانشنامه مطبوعات:

جلد دوم دانشنامه مطبوعات ایران منتشر شد



جلد دوم دانشنامه مطبوعات ایران به سرپرستی محمدجعفر محمدزاده منتشر شد. جلد دوم دانشنامه مطبوعات ایران که ۳۵۱مدخل تألیفی است که افزون بر نویسندگان جوان و پرکار، نام‌های آشنایی از نویسندگان با تجربه و با سابقه دانشنامه‌نگاری مانند: عبدالحسین آذرنگ، حسن میرعابدینی، رحیم رئیس‌نیا، رضا نوزاد، حسین مسرت، مهران آشوری، میلاد عظیمی، محسن ذکا اسدی، مسعود راستی‌پور، سیروس سوند رومی، لسا دانیالی، آرا اوانسیان، رقیه فراهانی، حمید نجار، محمدحسین خسرو پناه و ... و نیز زنده‌یادان اکبر نحوی و ابوالفضل خطیبی نیز در تدوین آن به چشم می‌خورد. کار تألیف و تدوین دانشنامه مطبوعات ایران از سال ۱۳۹۰ به سرپرستی دکتر محمدجعفر محمدزاده آغاز شده است که جلد یکم آن شامل مدخل‌های (۱ و الف) در سال ۱۳۹۳ شامل ۲۰مقاله منتشر شده است. پس از وقفه‌ای نه‌ساله اینک جلد دوم از سوی انتشارات دانشنامه مطبوعات به زور چاپ آماده شده و بزودی روانه بازار می‌شود. در کار تألیف دانشنامه مطبوعات ایران بیش از یکصد و پنجاه نفر از دانشنامه‌نگاران باسابقه و نام‌آشنا و گروهی از جوانان علاقه‌مند همکاری کرده‌اند. سربوراستار جلد دوم دکتر محمدجعفر محمدزاده است و ویراستاران علمی دوم جلد خانم دکتر راضیه آبادیان و دکتر محمد مهدی مقیمی‌زاده است. گفتنی است در جلد یکم دانشنامه زنده یاد دکتر ابوالفضل خطیبی به همراه رکنتر راضیه آبادان و ویراستاران علمی دانشنامه بودند. تدوین و نگارش دانشنامه مطبوعات ایران به شیوه‌ای

میراث

ارگ نوشیجان؛ شاهکاری ماندگار از هزاره اول میلادی



ارگ خشتی نوشیجان در ملایر را می‌توان از قدیمی‌ترین نیایشگاه‌های خشتی در جهان و متعلق به هزاره اول میلادی دانست که با قرارگیری بر بلندی تپه‌ای، یکی از مقاصد مهم گردشگران خارجی و داخلی در همدان است و یکی از ناشناخته‌ترین بناهای کشور نیز به شمار می‌رود. در فاصله ۲۰ کیلومتری ملایر و ۶۰ کیلومتری همدان در گستره دشت وسیع شوشاب که گاه بارش باران‌های بهاره آن را به دریاچه‌ای وسیع مبدل می‌کند، تپه‌ای قرار دارد که در سرتاسر دشت یک‌تازی می‌کند، تپه‌ای که روبروی روستای قلعه‌نو قرار گرفته و حدود ۲هزار و ۸۰۰سال قدمت دارد.

«ارگ نوشیجان» را بسیاری از باستان‌شناسان یک دژ معبد تاریخی و مهم می‌دانند که روزگاری هم کاربرد دفاعی داشته و هم مکانی برای نیایش بوده و خیلی‌ها هم این بنای خشتی و شگفت‌انگیز را با همان نام آتشکده نوشیجان به یاد می‌آوردند، اما چه چیزی این بنای تاریخی و باستانی را تا بدین حد ارزشمند کرده است؟ سال ۱۳۴۳ این تپه باستانی کشف می‌شود و سال ۱۳۴۶ یک باستان‌شناس انگلیسی و تیم همراهش در این منطقه حضور پیدا می‌کنند که این حضور قریب به یک دهه زمان برد، تا جایی‌که تا سال ۱۳۵۶ چیزی در حدود شش فصل کاوش باستان‌شناسی به سرپرستی «دیوید استروناخ» روی این تپه ساده صورت گرفت و نتیجه یک کشف خارق‌العاده بود، در دل این تپه بنایی خشتی و سه طبقه کشف شد که هر طبقه متعلق به یک دوره تاریخی مادها، هخامنشیان و طبقه آخر متعلق به دوران اشکانی بود. با این کشف بزرگ تپه نوشیجان و آتشکده مکشوفه در آن نه تنها قدیمی‌ترین و تنها اثر تاریخی سالم بازمانده از دوران مادها به حساب می‌آید، بلکه این آتشکده قدیمی‌ترین عبادتگاه خشتی جهان نیز محسوب می‌شد، این بنای خشتی به ظاهر ساده که در برابر چشمان همگان قرار دارد، نخستین الگوی معماری ایران باستان به حساب می‌آید که تأثیراتش در تنها در دوره‌های بعدی همانند هخامنشیان

یادداشتی درباره‌ی دفتر شعر «دوته» از جعفر محمدی واجارگاهی

نشانه‌های زندگی و مرگ

فرا می‌دایم / غروب اضافه‌های جمعی از درون مالیخولیای رود را درهم می‌پیچید / غروب جنگل، دامنه‌اش را نمی‌خواست / و پرنده آوازش را ناب نمی‌تراشید / غروب... غروب که هنوزش را بساط کرده / در حقارت شب جا مانده / تنهایی چه انتهای تاریکی داشت- (۱۵۴-۱۵۵)

شعر توصیف لحظه‌های روشن طبیعتی است که در غروب ناپدید می‌شود، تا تنهایی که از کلیدواژه‌های این دفتر است، رنگی مالیخولیایی به خود گیرد. اگر «اضافه‌های جمعی» اندکی انتزاعی است، مالیخولیای رود در آن حجم تاریک، فراقکتی مادی‌تری دارد. زیرا غروب ماخولیای رود را در چشم گوینده، آن‌هم ماخولیایی‌اش درهم می‌بخورد. «اضافه‌های و کوه، جنگل و تمشک را نیز پنهان می‌کنند. جنگل هم مانند غروب و خود گوینده دامنه را نمی‌خواهد و در ازدحام تاریکی و ابر و باران دامنه را نه می‌بیند و نه می‌خواهد. آری هم اجزای طبیعت و هم انسان مانند غروب انتهای تاریک دارند تا معنای روشن روز طبیعت را از میان برندارند.

شعرهای طبیعت‌نگرانه‌ی واجارگاهی معناگرایانه‌تر است، اما شعرهایی که از شهر و خیابان سخن می‌گوید، روزمرگی، بهبودگی و پرسه‌زنی دارد و این کار شعر را طبیعی می‌کند. زیرا تنهایی فقط در دل طبیعت رخ نمی‌دهد، سایه‌ای است که در شهر، میان سایه‌های پرسه‌زن نیز همراه گوینده است.

در شعر شماره‌ی ۱۸ آمده است: «قرار است شهر دیگر شیب خیابانش تند نباشد / یکی برود و یکی بماند / یکی نماند و یکی نباشد / یکی دیگر را دنبال کند / و دیگری خودش را گم کند...» این بند توصیف موجز و در همین حال کامل از ازدحام شهر است. در بندهای بعدی لحن تغییر می‌کند و این بند را با گزاره‌های دیگر گسترش می‌دهد: «چشم که باز کردیم / سلسبیل» ما را وادار می‌کرد تا قدم برتیزیم /... تا زندگی در همین پیاده‌روی‌ها تمام شود...» (۲۹)

عصر غالب شعرهای واجارگاهی فردی است و همه چیز در میانه و به‌نرمی می‌گذرد و جنبه‌های ترازیک آن چندان چشمگیر نیست؛ نه جنگ و تهاجمی‌اش لحنی ویرانگر دارد، نه عشق و تنهایی‌اش کشنده است. جنبه‌های امیدوارانه و معناگرایانه‌اش به‌ویژه در دل طبیعت کم نیست: «و این جنگل بود؛ همیشه پرنده‌اش را صدا می‌زد...» (۴۵) شعر شماره‌ی ۶۱ بسیاری از ویژگی‌های دفتر «دوته» به‌ویژه تفاوت را در خود دارد: «به بی‌گناهی آب خیره مانده / به اضافه‌های سنگ / به پرواز و پرندگان ناشناس / بازگشته‌ام به ادامهام / احیا کرده‌ام تنهایی را / از سؤالی مرده برگشته‌ام به بی‌سرانجامی / نگران نباش / رها شده‌ام در چند علامت تعجب / دل داده‌ام به علامت سؤالی که چرایی زیستن را پایان یافته / می‌تواند مغز پرنده‌ای را متلاشی کند / باگرگی ماندن را بگیرد / شهر را به‌هم بریزد / گلوی گزازی را ببرد / و من نوشیده‌ام خونی داغ را از گلویی که وداع را هرگز نیاموخته / زایمان زنی را دیده‌ام که کودکش را نوسید / از دور دور دور / دورتر دورتر / خیلی دور دور / نامت را فریاد بزن تا بگویم عشق پرنده‌ی ناشناسی‌ست



علی تسلیمی
منتقد ادبی

همزمان با هنر و ادبیات مدرن در دهه‌ی ۱۹۵۰، تاتار نو، رمان نو و موج نو در اروپا پدید آمد که برخی از ویژگی‌های پسامدرن را در خود داشت. هنر و ادبیات پادشده، در ضدیت با گذشته و حتی ادبیات مدرن که عمری صدساله داشت و هنوز برپاست، پا گرفت. این شیوه، چنان روایت را قطع ارتباط می‌کرد که بدان ضد ادبیات، ضد تئاتر و ضدسینما می‌گفتند. در ایران نیز برهانی از واژه‌ی «ضد شعر» استفاده می‌کرد و شعرهای خود را که مهفم‌ترین ویژگی‌اش قطع اتصال در روایت بود، ضد شعر می‌نامید (نک. خطاب به پروانه‌ها و چرا من دیگر شاعر نیامی‌نستم، ۱۳۷۴: ۱۹۵).

برخی از شاعران ایرانی که می‌خواستند شعر مدرن، آوانگارد و پسامدرن و ضد می‌رفتند و گاهی شبه مدرن بودند. ولی آن‌هایی که شعر مدرن را درمی‌یافتند، در کار پسامدرن و ضد شعر موفق‌تر بودند. برخی از شعرهای «دوته» (۱۴۰۲) مدرن شعر ۶۴ از این دفتر مدرن است: «شبه پرنده‌ای که سسری بر تن ندارد در خود مانده‌ام / فکرش را نمی‌کنی / چشم نداری / گوش نداری / زبان نداری / اما هنوز قلت برایش می‌تپد (دوته: ۱۱۹)

شعر، بسیار مادی، تجربی و اثرگذار است. گوینده قلبش را همانند پرنده‌ای می‌کند که تازه سسرش را بریده‌اند، ولی قلبش هنوز می‌تپد. این تشبیه، ساده است، اما تنها نگاه شاعرانه و زیرکانه به طبیعت می‌تواند آن را کشف کند. بیهوده نیست که می‌گوید: «فکرش را هم نمی‌کنی».

وی با این کار و نیز واگزارگی قضاوت به مخاطب (ضمیر دوم شخص)، از خود (ضمیر اول شخص) عبور می‌کند تا سخنش را محسوس‌تر ارائه گرداند. گوینده تنها از بریدن سر سخن نمی‌گوید، از نداشتن چشم و گوش و زبان هم یاد می‌کند. چشم نخستین عامل عشق است و سپس گوش و زبان مایه‌های گفت‌وگوی عاشقانه. اما قلب مرکز آن است که در ندیدن و نشنیدن نیز می‌ماند و می‌تپد.

این شعر، مثل عامیانه‌ی «از دل برود هرآن‌که از دیده برفت» را نیز گزاره‌گردانی کرده و با آن مخالفت ورزیده. اگر این سخن نادرست را بپذیریم که هرچه بگویم گذشتگان گفته‌اند و هیچ سخنی تازه نیست، گزاره‌گردانی از سازوکارهای تازه‌سازی است.

گزاره‌گردانی همواره مخالفت نمی‌ورزد، گاهی نیز سخن کهنه‌ای را با موافقت تازه می‌کند. برای نمونه، «دلم برایش می‌تپد» را با جنبش قلب پرنده‌ی سربریده تازه می‌سازد. آن هم نه دل، بلکه می‌گوید قلب، زیرا پرنده معمولاً قلب دارد نه دل. یکی دیگر از شعرهای مدرن و متفاوت دفتر حاضر را می‌توانیم آنگاه سراسر ضد شعر و شعر متفاوت می‌رویم: «صدا از رود می‌آمد / از جنگل، کوه، دامنه / از هیجان باد و پرواز پرند / از بعد رسیدن تمشک و قبل رویت ابر / از هنگامه‌ی باران... / صدا می‌آمد / و ما سمت همین ارتفاع / گوش

یادداشتی درباره‌ی دفتر شعر «دوته» از جعفر محمدی واجارگاهی

نشانه‌های زندگی و مرگ

فرا می‌دایم / غروب اضافه‌های جمعی از درون مالیخولیای رود را درهم می‌پیچید / غروب جنگل، دامنه‌اش را نمی‌خواست / و پرنده آوازش را ناب نمی‌تراشید / غروب... غروب که هنوزش را بساط کرده / در حقارت شب جا مانده / تنهایی چه انتهای تاریکی داشت- (۱۵۴-۱۵۵)

شعر توصیف لحظه‌های روشن طبیعتی است که در غروب ناپدید می‌شود، تا تنهایی که از کلیدواژه‌های این دفتر است، رنگی مالیخولیایی به خود گیرد. اگر «اضافه‌های جمعی» اندکی انتزاعی است، مالیخولیای رود در آن حجم تاریک، فراقکتی مادی‌تری دارد. زیرا غروب ماخولیای رود را در چشم گوینده، آن‌هم ماخولیایی‌اش درهم می‌بخورد. «اضافه‌های و کوه، جنگل و تمشک را نیز پنهان می‌کنند. جنگل هم مانند غروب و خود گوینده دامنه را نمی‌خواهد و در ازدحام تاریکی و ابر و باران دامنه را نه می‌بیند و نه می‌خواهد. آری هم اجزای طبیعت و هم انسان مانند غروب انتهای تاریک دارند تا معنای روشن روز طبیعت را از میان برندارند.

شعرهای طبیعت‌نگرانه‌ی واجارگاهی معناگرایانه‌تر است، اما شعرهایی که از شهر و خیابان سخن می‌گوید، روزمرگی، بهبودگی و پرسه‌زنی دارد و این کار شعر را طبیعی می‌کند. زیرا تنهایی فقط در دل طبیعت رخ نمی‌دهد، سایه‌ای است که در شهر، میان سایه‌های پرسه‌زن نیز همراه گوینده است.

در شعر شماره‌ی ۱۸ آمده است: «قرار است شهر دیگر شیب خیابانش تند نباشد / یکی برود و یکی بماند / یکی نماند و یکی نباشد / یکی دیگر را دنبال کند / و دیگری خودش را گم کند...» این بند توصیف موجز و در همین حال کامل از ازدحام شهر است. در بندهای بعدی لحن تغییر می‌کند و این بند را با گزاره‌های دیگر گسترش می‌دهد: «چشم که باز کردیم / سلسبیل» ما را وادار می‌کرد تا قدم برتیزیم /... تا زندگی در همین پیاده‌روی‌ها تمام شود...» (۲۹)

عصر غالب شعرهای واجارگاهی فردی است و همه چیز در میانه و به‌نرمی می‌گذرد و جنبه‌های ترازیک آن چندان چشمگیر نیست؛ نه جنگ و تهاجمی‌اش لحنی ویرانگر دارد، نه عشق و تنهایی‌اش کشنده است. جنبه‌های امیدوارانه و معناگرایانه‌اش به‌ویژه در دل طبیعت کم نیست: «و این جنگل بود؛ همیشه پرنده‌اش را صدا می‌زد...» (۴۵) شعر شماره‌ی ۶۱ بسیاری از ویژگی‌های دفتر «دوته» به‌ویژه تفاوت را در خود دارد: «به بی‌گناهی آب خیره مانده / به اضافه‌های سنگ / به پرواز و پرندگان ناشناس / بازگشته‌ام به ادامهام / احیا کرده‌ام تنهایی را / از سؤالی مرده برگشته‌ام به بی‌سرانجامی / نگران نباش / رها شده‌ام در چند علامت تعجب / دل داده‌ام به علامت سؤالی که چرایی زیستن را پایان یافته / می‌تواند مغز پرنده‌ای را متلاشی کند / باگرگی ماندن را بگیرد / شهر را به‌هم بریزد / گلوی گزازی را ببرد / و من نوشیده‌ام خونی داغ را از گلویی که وداع را هرگز نیاموخته / زایمان زنی را دیده‌ام که کودکش را نوسید / از دور دور دور / دورتر دورتر / خیلی دور دور / نامت را فریاد بزن تا بگویم عشق پرنده‌ی ناشناسی‌ست

مجازستان

آن را که میسر نشود صبر و قناعت باید که ببندد کمر خدمت و طاعت چون دوست گرفتگی چه غم از دشمن خونخوار؟ گو بوق ملامت بزن و کوس شناخت گرد خود همه بیداد کند هیچ مگوید تعدیب دلارام به از ذل شفاعت از هر چه تو گوئی به قناعت بشکبیم امکان شکب از تو محالست و قناعت گر نسخه روی تو به بازار برآرد نقاش ببندد در دکان صناعت

مجازستان

● معاشرت با آدم‌های با کیفیت رو دوست دارم، آدمایی که محترمن، میدونن چطور کلمات رو کنار هم بچینن، با چه لحن و تن صدایی صحبت کنن، چطور نگاهت کنن، آدمایی که عمیق و مفید حرف میزنن و حین صحبت روی حرکات دستاشون تسلط دارن. (آرا)

● رابطه با رفیق صمیمی هم جالبه ها، همزمان تلگرام و اینستا و واتسپ درباره موضوعات مختلف چت می‌کنیم ، تلگرام قهر می‌کنیم و بدون توجه به قهر ، اینستا و واتسپ به حرف زدن ادامه میدیم. (الکافرن)

● مامانم همیشه بهم میگفت تو بلد نیستی چونه بزنی هرچی فروشنده گفت میگی بفروماید حالا چونه زنی خودش چه جووری بود.فروشنده میگفت فلان چیز پونصد تومنه مادرم می‌گفت صد تومن میدش؟یعنی کارم میزیدی انیث میزد بیرون از بدن فروشنده. (مورتزا)

● دوستان به نظرم دوتا از ابتدایی ترین کارایی که باید بلد باشین اینه که هروقت، تو هر مسئله‌ای مقرر بودین و باعث ناراحتی کسی شدین باید معذرت خواهی کنید و دوم اینکه هرکی هرکاری واستون میکنه حتی اگر وظیفش باشه انجام اون کار، باید ازش تشکر کنین. (MNA)

کتاب

کلاه ایمنی، ایمن‌تر می‌شود

محققان با نانولوله‌کربنی، موفق به ساخت فوم جالبی شدند که می‌تواند ۳۰برابر عملکرد پهنتری نسبت به آسترهای کلاه ایمنی نظامی در آمریکا داشته باشد. از سقوط از بلندی تا یک تکل خشن در فوتبال، بیشتر ضربات به سر در زوایای عجیب و غریب رخ می‌دهد. این نوع ضربات به سر موجب حرکت‌های چرخشی و خطی ناخواسته‌ای می‌شود. این نوع حرکت‌های چرخشی می‌تواند موجب فشار برشی در سر شده و به مغز آسیب برساند. به تازگی یک ماده فوممانند سبک وزن ساخته شده که مغز می‌تواند بیشتر یا تمام فشار وارد شده به مغز را دفع کند. این فوم توسط مهندسان دانشگاه ویسکانسین-مدیسون ساخته شده است که در آن از نانولوله‌های کربنی به صورت عمودی استفاده شده است.

این نانولوله‌ها می‌توانند مقدار زیادی از انرژی جنبشی چرخشی حاصل از یک ضربه را از بین ببرند. چنین فومی می‌تواند به عنوان یک ماده پوششی در کلاه ایمنی استفاده شود، این فوم با تضعیف انرژی جنبشی چرخشی قبل از رسیدن به مغز، می‌تواند صدمات مغزی آسیب‌زا را کاهش دهد یا حتی از آن جلوگیری کند.

در حقیقت، این ماده جدید در جذب فشار برشی ۳۰برابر عملکرد بهتری نسبت به فوم مورد استفاده در آسترهای کلاه ایمنی نظامی آمریکا دارد. راتاماسان توماران از محققان این پروژه می‌گوید: این ماده چشم‌اندازهای تازه‌ای برای ساخت کلاه ایمنی ایجاد می‌کند، کلاه‌هایی که می‌توانند به شدت جلوی ضربه را بگیرند. در حال حاضر، در برخی از کلاه ایمنی سبی می‌شود با استفاده از لایه‌ای که در کلاه وجود دارد، حرکت کشویی بین پوسته داخلی و بیرونی کلاه ایمنی رخ دهد که این کار حرکت چرخشی وارد شده به کلاه را به حداقل می‌رساند.

با این حال این لایه‌های متحرک انرژی حاصل از فشار برشی را از بین نمی‌برند. حتی می‌توان گفت که وضعیت بعد از فشرده شدن کلاه در اثر ضربه بدتر شده و می‌تواند به سر آسیب نیز برساند. اما در این فناوری جدید، از آنجایی که به لایه کشویی متکی نیست، این کاستی نیز در آن وجود ندارد.

در عوض زمانی که این لایه فشرده می‌شود، انرژی حاصل از فشار را دفع می‌کند. این پیشرفت بر اساس تحقیقات قبلی وی در مورد فوم‌های نانولوله کربنی عمودی تراز شده به دست آمده است. در آن تحقیقات، محققان با موفقیت جذب شوک فوق‌العاده‌ای را با این نانولوله‌ها تجربه کردند.

این ماده از نانولوله‌های کربنی تشکیل شده که با دقت در ساختارهای سلولندری بسته‌بندی شده قرار می‌گیرند. معماری جدید این ماده که دارای ویژگی‌های ساختاری منحصربه‌فرد در مقیاس‌های مختلف است، به این مواد خاصیت استثنایی می‌دهد. علاوه بر این، محققان اخیراً نشان داده‌اند که فوم‌های نانولوله کربنی عمودی تراز شده، هدایت حرارتی بالایی داشته که این امر باعث می‌شود آستر کلاه ایمنی ساخته شده از این مواد برای خشک نگه داشتن سر در محیط‌های گرم مناسب باشد.

سازمان آگهی‌ها
همدانه
۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۹۱۲۱۳۸۵۳۷



ایلیا برزنی‌کاس - لیتوانی

دریچه